

والدین و سازندگی نسل

دکتر علی قائمی

مقدمه

نکته هشدار دهنده‌ای در اسلام وجود دارد و آن این است که بسیاری از آشفتگی‌ها و ویرانی‌های روحی و اخلاقی نسل ناشی از شرایط تربیتی گذشته است. اگر والدین و مربیان از روزگاران قبل به سازندگی‌هایی در نسل می‌پرداختند برای امروزشان مسئله‌ای نبود یا کم‌تر بود.

غفلت‌ها، جهل‌ها و سی‌خبری‌ها، دشواری‌آفرین‌اند و عدم سعی لازم برای به ثمر رساندن‌ها، کشف‌ها و سازندگی‌ها، دردآفرین می‌باشند. چه بسیارند ذخائر سرشاری که با ولادت نسلی در جامعه، همچون سرمایه‌هایی بالقوه‌اند ولی به علت عدم کشف‌ها در همان وضع و حال باقی مانده، نسل به صورتی جاهل و دست‌نخورده می‌میرد.

در بینش اسلامی، والدین نخستین مسئولان حفظ و صیانت فرزندان به عنوان امانت‌های خداوندند. آنان را وظیفه‌آدای حقی است که نسلشان آن را از جانب خداوند بر عهده ایشان قرار داده است. پدران و مادران ضمن ادای حقوق فرزندان، وظیفه ساختن، به عمل آوردن

- ضعف اراده که سبب بی مقاومتی در برابر جریانات و حوادث است و در آن صورت گردانندگی امور انسان توسط دیگران صورت خواهد گرفت.

- وجود الگوهای نامناسب و بی بند و بار در خانه، مدرسه، جامعه و وسایل ارتباط جمعی به معنای عام که بدآموز، هوس انگیز و تحریک کننده‌اند و نیز وسوسه انگیزند و دغدغه آفرین.
- سادگی، ظاهر بینی و آسان گیری و زود باوری که سبب تسلیم شدن به هر خط و برنامه‌ای می‌شود و فرد هر رأی و سخنی را اگرچه دروغ و فریب آمیز باشد، می‌پذیرد.

در سازندگی‌ها

برای ساختن و به عمل آوردن یک نسل عوامل گوناگونی باید مدنظر باشد. ولی فراموش نکنیم که برای رسیدن به مقصود، همکاری همه عوامل تربیتی و مؤثر از جمله خانواده، فرهنگ، سیاست، اقتصاد، اجتماع و مذهب ضروری است. اگر بافته‌های مؤسسه‌ای توسط نهاد یا مؤسسه دیگر از هم گسسته گردد دیگر چه امید و آرزویی به داشتن نسل سالم و شرافتمند؟ و از علل بی‌رنگی حنای تربیت وجود این دو گویی و چندگویی و تفرقه بین عاملان آن است.

اما در خط سازندگی نسل و پیش‌گیری از عوامل سقوط و انحراف، اقدامات و حرکتهایی لازم است که اهم آن‌ها به شرح زیر قابل ذکر و ارائه است:

۱- آموزش‌های تدریجی: که در واقع سازنده و فزاینده آگاهی‌های لازم‌اند و در این زمینه این آگاهی‌ها با رعایت اصل تدریج و در نظر داشتن

و مقاوم‌سازی نسل را دارند تا آنان بعدها در معرض خطر انحراف قرار نگیرند. علیکم انفسکم لا یضربکم من ضل اذا هتدیتم (آیه ۱۰۵)، سوره مائده). طبق این آیه اگر آدمی ساخته شده باشد، سقوط و انحراف‌های دیگران در او اثر نخواهد گذارد.

عوامل انحراف

این نکته مهم است که مسئولان تربیت نسل علل و عوامل انحراف را بشناسند و نسل را از افتادن به چاه آن پاسداری کنند. عوامل عمده سقوط‌ها که به تربیت مربوط می‌شوند عبارت‌اند از:

- جهل‌ها و بی‌خبری‌ها از امور، از جریانات، از دام‌ها و دانه‌ها، از وظایف و مسئولیت‌ها، از رمز و راز حیات و از فلسفه اعتقادی و دین‌داری و دین‌باوری.

- ضعف عقیده و ایمان و عدم باور به خدا و جزا و معاد و حساب‌رسی و بازپرسی‌های الهی.
- بی‌خبری از شیوه مدیریت خود و تسلط بر نفس، ضعف اعتماد به نفس یا از دست رفتن عزت نفس، که آن‌کنس وجودش بر او خوار آید از شرش در امان نخواهی بود: من هانت علیه نفسه فلا تأمن شوه (امام جواد - علیه السلام - تحف العقول).

- اسارت هوای نفس و بردگی دل که زمینه را برای تن دادن به هر لذت کاذب و موقت فراهم می‌سازد و زمام اختیار را از کف فرد می‌رباید.

- عدم دوراندیشی‌ها و عاقبت‌نگری‌ها، و توجه به حال، که اگر افراد بدانند فلان امر و اقدام چه عاقبت ناگواری برایشان فراهم می‌کند از هم اکنون در برابر آن امر فریاد بر می‌آورند و از آن می‌گریزند.

- آگاهی در مورد کیفیت زندگی شخصی و رعایت نظم و انضباط و ضوابط صیانت از وجود.

- آگاهی در مورد حلال و حرام مذهب، شناخت محرم و نامحرم (از شش سالگی) و کیفیت روابط و مرز برخوردها و انسها و آشناییها و لمسها، گفت و گوها و...
- آگاهی در مورد تشکیل خانواده، قداست خانواده و لزوم و ضرورت تعلق به آن در همه احوال.

- آگاهی به مسائل مربوط به رشد، بلوغ و مسائل و مباحث مربوط به آن.

- آگاهی نسبت به ارزش وجودی انسان و بهای وجودی او که قرآن آن را معادل بهشت دانسته است و پاسداری از آن و رعایت پوشش لازم در این عرصه و حفظ عفاف.

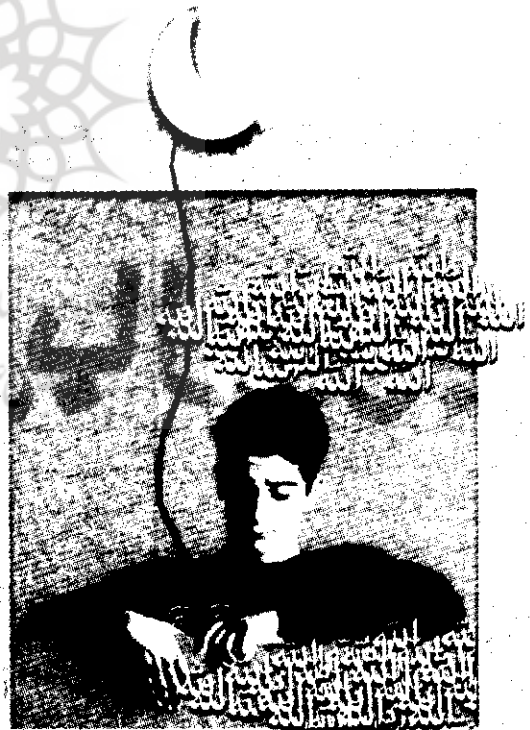
۲- ارائه مدل و نمونه: پیش از این که عقل و اندیشه آدمی به کار افتد، چشمان او می بیند، گوش های او می شنود و حواس او فعال است. بخش مهمی از آموخته های افراد را دیده ها و شنیده ها تشکیل می دهند. بدین سان آن چه در برابر دیدگان فرد قرار می گیرد باید آموزنده، سازنده و جهت دهنده باشد. والدین و مربیان، و همه کسانی که به نحوی در دیگران اثرگذاری دارند باید الگوی عملی آن دیدگاهی باشند که از آن دفاع می کنند.

حضرات معصومین (ع) پیش از آن که با گفتار و سخن، دیگران را بسازند می کوشیدند از راه عمل، دیگران را به سمت کار و تلاش مورد نظر جهت دهند و به همین خاطر رسول گرامی اسلام در زبان قرآن، شهید به معنی گواه و نمونه معرفی شد (آیه ۱۳۷، سوره بقره) و یا او را

شرایط و مقتضای سنی و عقلی ضروری است:
- آگاهی در زمینه دین و مکتب مورد اعتقاد و ایمان بدان، که ایمان یک عامل کنترل کننده درونی است.

- آگاهی در زمینه فلسفه و هدف زندگی و رمز و راز و چرایی زیستن و چگونگی زیستن.
- آگاهی در باره وقایع و جریانات اثرگذار در زندگی، که هر انسانی به نحوی با آن درگیر و در برخورد است.

- آگاهی از کیفیت اتخاذ مواضع در برابر مسائل، حوادث و جریانات گوناگون به صورتی معقول.



آوای لغو دیگران تقوای گوش را از یاد نبرند. هم چنین تقوای در لمس، تقوای در تصرفات که به تجاوز و تعدی کشانده نشود، گام‌ها به سوی حرام برداشته نشود و...

مسئله تمرین و ایجاد عادات از خردسالی آغاز می‌شود و تا اواسط جوانی باید ادامه یابد. در چنان صورت، به ویژه زمانی که آن اعمال و کردار با فهم و تبیین آمیخته شود، اثرات

شاهد و مدل ذکر کرده‌اند (آیه ۴۵، سوره احزاب) و از مردم خواسته شد که در خط و راه و روش خویش او را اسوه قرار داده، بدو تأسی کنند (آیه ۲، سوره احزاب). بسیاری از تعالیم، کیفیت روابط، اتخاذ مواضع، رعایت حرمت‌ها و حلیت‌ها، شرافت و عفاف و هم آموزش عبادات، از نماز و روزه و حج و... براساس همین شیوه الگویی است. دستور و توصیه امام صادق آن است که مردم را از راه عمل و الگو به سوی ما دعوت کنید نه از راه سخن و دستور و توصیه‌ها که اثربخشی آن‌ها اندک است (تحف العقول: کونوا دعاة الناس الینا بغیرالستکم).

۳- تمرین و ایجاد عادات: آموخته‌ها زمانی کارساز و مؤثرند که به صورت امری تثبیت شده درآیند و هم چون عقیده و باور در جان‌ها بنشینند و آن‌گاه در اعضای آدمی پخش و نشر گردند (کافی، ج ۱، کتاب الایمان). برای وصول به این هدف ضروری است شوق و رغبتی در فرد به وجود آید تا خواستار اجرا و عمل و تقلید از رفتار و کردار مربی گردد. در این عرصه شیوه‌ها و راه‌های بسیاری است. به عنوان مثال عادت دادن به نماز، تهیه جا نمازی زیبا و تشویق به همراهی با پدر و مادر لازم است. برای عادت دادن به روزه، بیدار کردن در هنگام سحر و تشویق به روزه‌داری در نصف روز مهم است. برای عادت دادن به پوشش و ستر برای دختران، تهیه پوششی زیبا و بیان این مسئله که "تو با این مقنعه و چادر زیباتر شده‌ای"، مؤثر است.

والدین در برخورد با افراد نامحرم، مخصوصاً در حضور کودک باید نشان دهند که تقوای در چشم دارند. یا در شنیدن غیبت و



باشند نه تصنعی، از دل برآیند نه از زبان. محبت‌های تصنعی را فرزندان می‌فهمند و از آن نفرت دارند.

داشتن روحیه شاد و با نشاط و احساس تعلق نسبت به خانواده، سوق دهنده طفل به سوی و جهتی است که والدین و مربیان خواستار آن‌اند. محبت‌ها کشاننده و جلب کننده‌اند. باز هم یاد آور می‌شویم که بخشی مهم از لغزش‌ها و انحرافات ناشی از کمبود محبت، عقده‌داری، بروز کینه و در نهایت انتقام‌گیری است.

۵- تداوم در شادی: امر تربیت، کاری یک باره، یک روزه و یک ساله نیست، مسئله‌ای است که باید تداوم داشته باشد. این امر بدان خاطر است که:

- انسان موجودی فراموشکار، عهد شکن، کارگریز و فرارکننده از مسئولیت است.

- باتری وجودش گاه به گاه تخلیه می‌شود و نیاز به شارژ و نیروبخشی جدید دارد.

- عوامل بیرون در مواردی دارای زرق و برق و دلربا و جذب کننده‌اند.

- به فرموده امیرالمؤمنین، شر در درون وجود آدمی لانه دارد و دائماً او را به فریب می‌کشاند، به ویژه که به فرموده قرآن، شیطان تزئین کننده اعمال نارواست.

- دوستداری هم‌رنگی با جماعت به علت اجتماعی بودن آدمی در او قوی است و او که تنوع‌طلبی دارد می‌کوشد گاهی در این چهره و زمانی در آن چهره باشد.

- گاهی زرق و برق‌ها و لذات آن چنان گیرا و جاذب‌اند که آدمی بدون اندیشه درباره آینده جذب آن می‌شود و پس از فتنای لذت یا اقتناع از آن تازه به هوش می‌آید.

سودمندی در سازندگی و جهت‌دهی ایفا خواهد کرد و از سقوط در دام انحراف جلوگیری خواهد بود.

۴- اقتناع عاطفی: بعضی از سقوط‌ها و انحطاط‌های نسل، به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی ناشی از محرومیت‌های عاطفی دوران قبل یا حال است. اقتناع عاطفی نسل برای آنان حق، و برای پدران و مادران، وظیفه است. سفارش پیامبر این است که فرزندان خود را ببوسید (مکارم الاخلاق) و حتی فرمود آنان را زیاد ببوسید (همان) که خداوند به تعداد بوسه‌های شما بر فرزندان، برایتان اجری و رتبتی معین کرده است. در این راه گاهی می‌توانید از نوازش زبانی سود بجوید، زمانی از نوازش بدنی، و هم سفارش این است که این محبت را به آنان اعلام کنید. به آن‌ها بگویید: تو را دوست دارم، تو فرزند منی، تو چون جان منی، به وجود تو افتخار می‌کنم، تو عزیز خانواده‌امی ...

در این امر سه نکته را فراموش نکنیم:

- نخست این که مراقب باشیم محبت ما سبب سوء استفاده و لغزشی نگردد و فرزند را از خود راضی و پر توقع بار نیاورد.

- دیگر این که در بینش اسلامی کفه ترازوی

محبت به نفع دختران سنگین‌تر است. اسلام خواستار محبت بیش‌تری برای دختران است، زیرا دختران امروز همسران و مادران فردایند و اقتناع یا عدم اقتناع عاطفی‌شان در وضع شرافت حال و آینده آنان مؤثر است. در این عرصه انس خود را با دختران بیش‌تر کنید و صفای خود را به آنان بیش‌تر نشان دهید.

- و نکته سوم این که محبت‌ها باید واقعی

جنسی بودن تربیت به معنی ایجاد تبعیض نیست، بلکه بدان معنی است که در هر آن هر کدام به کمال مقدر خویش دست یابند، ولی براساس شرایط و مقتضیات خودشان.

در جریان سازندگی نسل

در جریان سازندگی نسل توجه به چند نکته ضروری است:

- مرحله‌شناسی که هر سن مقتضیات و شرایط ویژه‌ای را داراست.

- توجه دادن به ارزش‌های اخلاقی، بدنی، رفتاری، و... در هر سن و سال.

- هدایت مداوم از طریق ارائه الگو، و بعدها تذکر و القا و تلقین.

- استفاده از قدرت تشویق‌ها، تحسین‌ها، انس‌داری‌ها و صفاها برای به راه انداختن فرد.

- بهره‌گیری از منطق و استدلال به تناسب سن و خرد درباره هر امری که نیاز به اقتناع و استدلال دارد.

- تقویت عزت نفس و اعتماد به نفس برای گرانقدر دانستن خود، که ذلت نفس همه‌گاه صدمه آفرین است.

- بزرگ کردن خدا در دل او و توجه دادن به او که خدای همه‌گاه شاهد و ناظر است.

- تقویت قدرت اراده که به هر درخواستی به

سادگی پاسخ مثبت یا منفی ندهد.

- او را در جریان شرایط و اوضاع اجتماعی قرار دادن تا بداند در جامعه، از نیک و بد، چه

خبر است.

- سیری درون و غنای نفس که سرمشاه عزت‌ها و عظمت‌هاست.

- و در نهایت حب خدا که در هر امری نخست رضای او را بطلبد.

این مجموعه سبب می‌شود که آدمی هیچ‌گاه از تربیت دور و برکنار نباشد و دست مری همه‌گاه بالای سر او باشد و وجود رهبر و راهنمای ابدی معصوم در جهان، بر همین اصل و اساس قابل توجیه است.

دو جنسی بودن تربیت

می‌دانیم که در اسلام تربیت امری دو جنسی است و برای پسران و دختران غیر متشابه است.

این امر هم به سبب تفاوت‌های زیستی و ساختاری بین پسر و دختر، هم تفاوت‌های عاطفی و روانی و هم تفاوت‌های شغلی و وظیفی است و شما می‌دانید که بهترین نظام تربیتی آن نظامی است که تفاوت‌ها را مد نظر داشته باشد.

از ویژگی‌های نظام تربیتی اسلام این است که از حدود سنین تمییز و تشخیص کودکان

(حدود ۶-۷ سالگی)، مادران باید خود را به دختران نزدیک‌تر کرده، خویش را محرم

رازشان قرار دهند و پدران باید محرم راز پسران گردند و به تبیین دنیای مردان بپردازند. هدف و

محتوای کار این هر دو در ارتباط با نسل متفاوت است که در این زمینه باید به کتاب‌های تربیتی

مراجعه‌ای داشت.

در هر دو صورت نقش مادران در ایجاد رشد و کمال و سازندگی بیش از پدران است.

به‌ویژه آنان در دختران مؤثرترند و به همین علت باید نقش همسری و مادری آینده را به

نسل بیاموزند و در جلوگیری از خطر و حفظ عفاف آنان را راهنما باشند. دختران بیش‌تر از

پسران در معرض آسیب بیینی و پرپر شدن قرار دارند.

در همین جا به ذکر این نکته بپردازیم که دو